

حزب توده ایران حملات تروریستی انتحاری در

لندن را محکوم می کند

چینی و آفریقایی، ایرانی، مسلمان و هندو و عمدتاً زحمتکشانی بودند که بدون هیچ گناهی در مسیر رسیدن به محل کار خود مسافرت می کردند. حزب توده ایران این حملات تروریستی را قویاً محکوم می کند و همدردی خود را بامردم انگلستان و به ویژه خانواده های داغدار

حمله هماهنگ تروریست ها به شبکه قطار زیرزمینی لندن و همچنین یک اتوبوس مسافربری، در روز پنج شنبه ۱۶ تیرماه، ده ها تن کشته و صدها نفر مجروح و مصدوم بر جای گذاشت. قربانیان این حملات جنایتکارانه کور که در پرازدحام ترین وقت تردد مسافران قطار صبح صورت گرفت، سیاه و سفید،

ادامه در صفحه ۶

مجمع جهانی اقتصاد در اردن و نولبرالیسم اقتصادی در سیاست های رژیم در صفحه ۴

بیست و هشتمین کنگره حزب کمونیست ایالات متحد آمریکا در صفحه ۵



شماره ۷۱۷، دوره هشتم
سال بیستم، ۲۸ تیر ماه ۱۳۸۴

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را باید گسترده و تشدید کرد!

با ادامه اعتصاب غذای اکبر گنجی و انتقال او به بیمارستان میلاد تهران مسأله ضرورت تشدید مبارزه برای آزادی همه زندانیان سیاسی ایران بار دیگر در مرکز توجه افکار عمومی ایران و جهان قرار گرفت. در اعتراض به ادامه بی توجهی مسئولان نسبت به وضعیت بحرانی گنجی، پس از گذشت سی و شش روز از اعتصاب غذایش، گروهی از دانشجویان و روشنفکران ایران و جهان در ادامه به روند سرکوب و آزادی کشی در رژیم ولایت فقیه بیانیه هایی منتشر کردند. در بیانیه دانشجویان ایران از جمله آمده است: «و اینک که عقیده چنین در بند است که سخن از حق و حقیقت راندن مستحق تحمل چنان مکافات است، حال نوبت ماست که با وی همنا شده و فارغ از دیدگاه هایش و تنها به رسم انسانیت به حمایتش پردازیم. اکبر گنجی تنها به دلیل تابانیدن نور به تاریک خانه ها و نهان خانه های دشمنان مردم، دشمن ملت نامیده شد، و بزرگمردی که با تیغ قلم

ادامه در صفحه ۳

دولت سربازان گمنام ارتجاع و

«ذوب شدگان» در ولایت!

لاریجانی و یا قالیباف از صحنه انتخاباتی کنار خواهد رفت. در واقع احمدی نژاد سرباز گمنام مرتجعان حاکم بود که توانست در گرد و غبار کارزار انتخاباتی به خوبی استتار شود و به شکل ناگهانی، به عنوان نامزد اصلی سر از صندوق های رأی بیرون آورد.

حزب ما مدتها پیش از برگزاری انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری، ضمن ارزیابی حرکت های مرتجعان حاکم، و از جمله شیوه عملکرد آنها در جریان دومین انتخابات شوراهای شهر و روستا و سپس در جریان انتخابات مجلس شورای اسلامی، بر این نکته اساسی تأکید می کرد که ارتجاع حاکم مترصد است با بهره جویی از همه امکانات و ابزارهای سیاسی، اقتصادی و انتظامی که در اختیار دارد راه را به سمت یکدست کردن حاکمیت بگشاید. مسأله روشن بود. ادامه روند اصلاحات و ادامه چند پارگی در صفوف حاکمیت، رشد نارضایتی توده ها و رادیکالیزه شدن نیروهای اجتماعی مدافع روند اصلاحات و همچنین شرایط بسیار حاد و بغرنج بین المللی و خصوصاً حضور نظامی آمریکا در

اگر شش ماه پیش به کسی گفته می شد که محمود احمدی نژاد قرار است رئیس جمهوری بعدی ایران باشد، اولین عکس العمل مخاطب اظهار بی اطلاعی از احمدی نژاد و پیشینه سیاسی او بود. بجز شمار اندکی از مردم تهران، که به دلیل رجوع به شهرداری، احمدی نژاد را به عنوان شهردار تاریک اندیش پایتخت می شناختند، او برای اکثریت قاطع مردم کشور و همچنین نیروهای سیاسی - اجتماعی چهره بی ناشناخته بود. با یک رجوع گذرا به روزنامه ها و مطالب منتشر شده در مطبوعات و رسانه های گروهی کشور، در هشت سال گذشته روشن می شود که نام و نشانی از این «شخصیت و رجل سیاسی-علمی» موجود نیست. محمود احمدی نژاد را می توان با کسانی همچون سعید اسلامی ها مقایسه کرد که در گروه های ویژه اطلاعاتی - سرکوبگرانه سیاه مشغول به فعالیت های ضد مردمی بوده اند و اصولاً کمتر کسی از وجود چنین افرادی، تا آن هنگام که لازم باشد، مطلع می شوند. گمنامی احمدی نژاد، در آغاز کارزار انتخاباتی، آنچنان بود که حتی اکثر نویسندگان روزنامه های جناح راست نیز از او به عنوان یک نامزد جدی نام نمی بردند و اکثراً مطرح می کردند که با نزدیک شدن موعد رأی گیری او به نفع

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

مبارزه کارگران بر ضد بی عدالتی های اجتماعی - اقتصادی تشدید می شود

تشدید فشار اقتصادی بر گروه کارگران و زحمتکشان کشور یکی از مسایل اساسی میهن ما در سال های اخیر بوده است. به دلیل سیاست های اقتصادی اتخاذ شده، در سال های گذشته، مراکز تولیدی کشور دچار رکود و بعضاً در خطر ورشکستگی قرار گرفته اند و کارگران و زحمتکشان آینده یی میهم و تاریک را پیش رو دارند. افزایش تورم و رشد نامتناسب دستمزدها عملاً به کاهش چشمگیر قدرت خرید واقعی خانواده های کارگری منجر شده و فقر و محرومیت را در بین این گروه اجتماعی دو چندان کرده است. در هفته های اخیر خبرگزاری ها از تعیین نرخ واقعی فقر خبر دادند. در گزارشی از سوی واحد اقتصادی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) از جمله ذکر شده است که بیش از ۱۰ میلیون نفر از جمعیت ایران درآمدی بین ۱۵ هزار تا ۱۵۰ هزار تومان در ماه دارند. بر اساس همین گزارش با توجه به ضریب و شاخص های موجود در کشور هیچ انسانی به تنهایی نمی تواند با این رقم زندگی خود را سامان دهد. طبق آخرین آمار قطعی اعلام شده خط فقر شهری ۲۵۰ هزار تومان و خط فقر روستایی ۱۵۰ هزار تومان تعیین شده است. به گزارش خبرنگار اقتصادی ایسنا، دکتر مرتضی عزتی - عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس - در این زمینه با بیان اینکه فقر در جامعه گسترده گی قابل توجهی دارد، گفت: «حدود ۵۰ درصد جامعه زیر خط فقر نسبی قرار دارند.» به گفته او مبارزه اساسی با فقر با سیاست های توأم و همزمان عدالت توزیعی و رشد سریع اقتصادی امکان پذیر خواهد بود.

با توجه به این معضل عظیم اجتماعی و قول های داده شده از سوی دولتمردان رژیم در زمینه ریشه کن کردن فقر، و همچنین اشاره به این نکته که رژیم ولایت فقیه با رشد بی سابقه قیمت نفت در سال گذشته توانسته است درآمد سرشاری به دست بیاورد، کارگران و زحمتکشان کشور امیدوار بودند که با تنظیم واقع بینانه دستمزدها گامی در راه پاسخگویی به خواست بر حق آنان در عرصه فقر و محرومیت زدایی از نیروی اساسی تولید جامعه ما بر داشته شود. با آغاز سال نو و اعلام افزایش ناچیز دستمزدها که بدون توجه به نرخ واقعی تورم تعیین شده بود جو نارضایتی در کارگاه های تولیدی کشور بیش از پیش تشدید شده و به حرکت های اعتراضی کارگران در کارگاه های مختلف منجر شد. حرکت های مختلف اعتراضی کارگران در هفته های اخیر به روشنی نشانگر نارضایتی وسیع کارگران از بی توجهی مسئولان رژیم ولایت فقیه و ادامه سیاست های مخرب است که این چنین زیرساختار تولیدی کشور را تخریب کرده است. به عنوان نمونه خبرگزاری کار ایران (ایلنا) گزارش داده که با متوقف شدن خط تولید پیکان و عدم کارایی کارخانه های تولید قطعات این خودرو، بحران کارخانه های تولیدی قطعات پیکان را تهدید کرده و با توقف خط تولید این خودرو، بیش از ۳ هزار نفر از کارگران پاکدشت شغل خود را از دست خواهند داد. عباس سالاری مشاور فرماندار و نماینده کارگران پاکدشت در گفت و گو با خبرنگار گروه کارگری ایلنا، ضمن بیان این مطلب افزود: «بیش از ۱۸ کارخانه تولید قطعات پیکان در این شهرستان وجود دارد که با متوقف شدن خط تولید پیکان، کارایی خود را از دست داده اند. وی گفت: «از این کارخانجات تنها سه کارخانه تولیدی توانستند خط تولید خود را تغییر دهند و مابقی کارخانجات در آستانه ورشکستگی قرار گرفته و نیمه تعطیل هستند.»

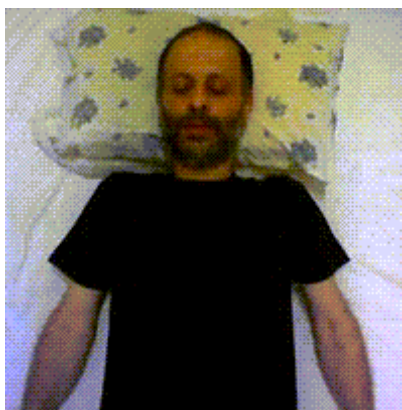
در خبر دیگری آمده بود که دبیر اجرایی خانه کارگر ساوه اعلام کرده است: «عدم مقابله با واردات بی رویه و قاچاق کالای پارچه و پوشاک، صنایع نساجی کشور را فلج و هزاران کارگر با سابقه در این صنعت ملی را سرگردان کرده است.» مهدی زمانی نوری، نماینده کارگران در مراجع قانونی، گفت: «از مجموع ۲۱ واحد صنایع نساجی شهرستان صنعتی و کارگری ساوه شامل شرکت های ریسندگی و بافندگی عطائیه - نخ ناز شهر - نواران - نقش باف - نیکوباف - مریوس کویر - گردباف میلاد - کیسه کاوه - ساوه بافت - سهیل

نسج تهران - زرباف امین - زدپود - بارجامه نوین - بافندگی انوار - آسیا مارال - آریا پود - آذرنخ - تورباف - نساجی علی - آهاران و لیف باف، ۴۰ درصد به کلی تعطیل، ۳۰ درصد نیمه فعال و تنها ۳۰ درصد نسبتاً فعال است.» وی گفت: «متأسفانه سیاست های ناصحیح دولت، عدم حمایت از صنایع نساجی، کالاهای قاچاق و ورود بی رویه پارچه و پوشاک، صنعت نساجی را فلج و از پای در آورده و امروزه شاهد خیل عظیمی از نیروی انسانی بی کار با سوابق طولانی حتی متجاوز از ۲۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه در شهرستانهای ساوه و زرنده هستیم که از حداقل حمایت تامین اجتماعی در قالب بیمه بیکاری محرومند و به دلیل کهولت سن و تحصیلات پایین، یا توان اشتغال مجدد را ندارند و یا شرکت ها تمایل به جذب آنان ندارند.»

در مقابله و اعتراض با چنین سیاست ها و بی توجهی جدی رژیم ولایت فقیه به مشکلات عظیم کارگران و زحمتکشان کشور است که در هفته گذشته حرکت های اعتراضی گوناگونی سازمان دهی شد. اگر چه فراخوان به اعتراض کوتاه (برای جلوگیری از تشدید اعتراض های وسیع کارگری) از سوی «کانون عالی شوراهای اسلامی کار» ارگان وابسته به رژیم داده شده بود ولی معذالک کارگران و زحمتکشان کشور با بهره جویی از امکان ایجاد شده صدای اعتراض خود را بر ضد سیاست های ضد کارگری و ضد مردمی رژیم بلند کردند. بر اساس گزارش های منتشر شده کارگران شهر های مختلف کشور در مراسم اعتراضی گوناگونی شرکت کردند. از جمله: رانندگان سازمان اتوبوسرانی سیستان و بلوچستان با روشن کردن چراغ اتوبوس ها ۲ ساعت اعتصاب کردند. قربانعلی میرشکار، در گفت و گو با خبرنگار گروه کارگری ایلنا گفت: «همچنین بسیاری از کارخانجات و واحدهای تولیدی و صنعتی استان در اعتراض به بی توجهی مسئولان در مجموعه وزارت کار و عدم اصلاح بخشنامه دستمزد ۸۴ کارگران، به مدت ۲ ساعت دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.» وی گفت: «کارگران کارخانه سیمان خاش بیشترین اعتراض را در بین کارخانه های این استان داشته و بیشترین تجمع اعتراض آمیز را به مدت ۲ ساعت در ۲۵ تیرماه بر پا داشتند.»

همچنین بر اساس گزارش های رسیده کارگران بیش از ۲۰ واحد تولیدی در «بندر امام خمینی» به مدت ۲ ساعت دست به اعتصاب زدند. افزون بر این کارگران حدود ۴۰ شرکت و واحد صنعتی و تولیدی شهرستان ری نیز در در اعتصاب شرکت کردند. بر اساس همین گزارش ها کارگران اصفهانی و خراسانی نیز همگام با سایر کارگران کشور دیروز در اعتصاب ۲ ساعته شرکت و اعتراض خود را نسبت به افزایش نامناسب دستمزد امسال اعلام کردند. آخرین اطلاعات رسیده از اصفهان حکایت از شرکت کارگران کارخانه های بسیاری در این اعتصاب دارد که از جمله می توان به مس بارش، ریسندگی و بافندگی بارش، ریسندگی و بافندگی قدس، ریسندگی رحیم زاده، چینی اصفهان و ریسندگی وطن اشاره کرد.

مبارزه کارگران و زحمتکشان میهن ما بر ضد سیاست های مخرب اقتصادی مسأله تازه یی نیست. کارگران کشور به تجربه دریافته اند که سیاست های اقتصادی کلان کشور که از سوی ولی فقیه رژیم به دولت های مختلف دیکته شده است ثمری جز تشدید فقر و محرومیت برای کارگران میهن ما به همراه نداشته است. این روند بی شک در آینده ادامه خواهد یافت. راه حل معضلات انبوه طبقه کارگر ایران و از جمله برخورد با بی عدالتی های موجود اجتماعی - اقتصادی تنها از طریق اتخاذ سیاست های رادیکال و مردمی اقتصادی امکان پذیر است که این امر نیز در تضاد اساسی با سیاست های اتخاذ شده از سوی سران رژیم قرار دارد. رژیمی که نماینده کلان سرمایه داران بازار و تجار و دلالان اقتصادی است نمی تواند در راستای تحقق حقوق زحمتکشان میهن ما گام بردارد. بر خلاف همه تبلیغات انجام شده و همه عوام فریبی ها



ولایت فقیه است. رژیم می که در آن شکنجه گران و تیر خلاص زن ها «خدمت گذارانند» و انسان های معتقد، دگراندیش وفادار به آزادی و حقوق مردم «مجرمان» اسیر و دربندند. در چنین ساختاری دل خوش کردن به «عنایت» و «رتوفت» سران ارتجاع تنها خوش خیالی است. استبداد از آنجایی که با زبان زور و

سرکوب به حیات خود ادامه می دهد تنها در برابر طوفان عظیم اعتراض اجتماعی است که عقب خواهد نشست و «سر عقل» خواهد آمد. مبارزه برای نجات جان گنجی و همچنین مبارزه برای آزادی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی ایران وظیفه یی است فوری و درنگ ناپذیر که باید برای تحقق آن همه امکانات داخلی و خارجی را بسیج کرد. نیروهای مدافع آزادی، از جمله اصلاح طلبان حکومتی که خود را مدافع حقوق بشر و نگران جان گنجی اعلام می کنند به جای نصیحت و موعظه به او بهتر است تا دست در دست هم کار مشترک و وسیع اجتماعی را برای تشدید فشار بر رژیم تدارک ببینند. فراخوان برای اعتراض مشترک اجتماعی، برگزاری روز آزادی برای زندانیان سیاسی کشور و ... در صورت سازمان یافتگی و وسعت توده ای می تواند تأثیر قطعی داشته باشد. امید به مذاکرات پشت پرده و استغاثه کردن از مرتجعان حاکم در واقع نافی مبارزه و پیکاری است که گنجی و دیگر زندانیان سیاسی ایران در شرایط دشوار امروز کشور ما به آن همچنان پای بندند.

تدارک یک حرکت سراسری اعتراضی برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران می تواند نخستین گام عملی جبهه واحد دموکراسی و حقوق بشر در ایران باشد. هنگام موعظه و نصیحت خوانی اکنون مدتهاست که به پایان رسیده است و سکوت و چشم انتظار داشتن از ارتجاع برای حل مسایل بدون یک پشتوانه سازمان یافته اجتماعی تخیل خامی بیش نیست. باید همه امکانات را به کار گرفت و مرتجعان حاکم را وادار به پذیرش خواست مردم کرد.

حزب توده ایران ضمن ابراز همبستگی مجدد با پیکار قهرمانانه زندانیان سیاسی بر ضد گزمگان ارتجاع خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی ایران است.

ادامه مبارزه کارگران بر ضد بی عدالتی ...

دولت آینده رژیم نیز همچون دولت های گذشته وظیفه یی جز خدمت به سرمایه داران بزرگ ندارد و این تنها طبقه کارگر ایران و مبارزه مشترک آن با دیگر گردان های اجتماعی است که می تواند مرتجعان حاکم را وادار به تن دادن به خواست های آنان نماید. مبارزه یی که در سال گذشته برای ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری گسترده شد را باید با تمام توان ادامه داد و راه را برای ایجاد تشکل های واقعی و رزمنده مدافع حقوق کارگران کشور گشود. مبارزه مشترک چنین تشکل های مستقلی می تواند نقش اساسی و تعیین کننده یی در وادار کردن رژیم به عقب نشینی ایفاء کند.

ادامه مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی را ...

خویش چنان لرزه ای بر پیکر اشباح افکند که هنوز بر خویش می لرزند، اینک در زندان به جرم ناکرده چراغ زندگانش رو به افول نهاده است و این چنین بی ریا حیات خویش را بر کف دست نهاده و تنها تاوان دگراندیشی اش را می پردازد.

اعتصاب شجاعانه اکبر گنجی نشانه یی از مبارزه دلیرانه ایی است که سالهاست در زندان های رژیم ولایت فقیه در جریان است. زندان هایی که روی زندان های رژیم گذشته را سفید کرده است و در آن شکنجه گران رژیم با فراغ و باز و بدون کوچکترین نگرانی از عاقبت کار خود هر جنایتی را مرتکب می شوند و زیر چتر قوه قضائیه و دستگاه سرکوب هر روز فاجعه یی تازه می آفرینند.

در کشوری که دادستان آن خود از شکنجه گران و عاملان قتل دگراندیشان است و رئیس جمهوری «منتخب» آن از فعالان تیم های ترور دگراندیشان بوده است از این بیشتر نیز نمی توان انتظار داشت.

اما در این میان اعتصاب غذای گنجی دستگاه قضایی رژیم را با معضلی جدی روبه رو کرده است. در اعتراف به همین معضل است که چهره منفوری همچون علیزاده، رئیس دادگستری تهران، در پاسخ به خبرنگار ایسنا می گوید: «می دانیم که این مسائل به نفع جمهوری اسلامی ایران نیست اما تسلیم زور شدن هم به نفع جمهوری اسلامی نیست». علیزاده، در پاسخ به سوال ایسنا درباره یی راه کار وی برای حل مصلحت آمیز پرونده یی اکبر گنجی، گفت: «در روزنامه ها و سایت ها گفته می شود که گنجی در اعتصاب غذاست و مطرح کرده که تا او را آزاد نکنند در اعتصاب می ماند. از سویی دادگاه وی را محاکمه و محکوم کرده است و او در حال تحمل دوران محکومیت خود است. شما بگویید اگر ما بیاییم و تسلیم این ادعا شویم آیا می توانیم زندان را اداره کنیم. آیا می توانیم در مقابل اشرار و محکومان مقاومت کنیم.»

وی ادامه داد: «اگر قرار باشد گنجی بگوید و ما تسلیم شویم و بوش هم از او حمایت کند، جواب ملت را چه دهیم؟»

در پاسخ علیزاده نکته جالبی نهفته است. سران رژیم ضمن علم به اینکه ادامه اعتصاب غذای گنجی به معضلی برای آنها بدل شده است در عین حال به خوبی واقفند که در صورت عقب نشینی در برابر خواست مردم مبنی بر آزادی گنجی آنوقت دچار مشکل بزرگ تری در برابر خواست آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی ایران خواهند شد. نکته اساسی هراس سران رژیم از ادامه مبارزه گنجی و سایر زندانیان سیاسی ایران است و گرنه سران ارتجاع در طول سال های اخیر به دفعات نشان داده اند که برای جان انسان ها، خصوصاً دگراندیشان کوچکترین قابل نیستند و آماده اند تا به هر جنایتی برای ادامه حیات خود دست بزنند. کشتار هزاران زندانی سیاسی در جریان فاجعه ملی شهریور ماه ۱۳۶۷، که در آن هزاران انسان مبارز، فرهیخته گروه گروه به جوخه های مرگ سپرده شدند، ترورهای مختلف از قتل زنده یاد دکتر سامی تا دکتر قاسملو، دکتر شرفکندی و یارانش و در سال های اخیر قتل های زنجیره یی فروهرها، مختاری و پوینده و همچنین قتل زهرا کاظمی در سال گذشته همه نشانگر شیوه عمل و ابعاد هولناک جنایت و بی قانونی حاکم بر دستگاه ظلم و جور رژیم

مجمع جهانی اقتصاد در اردن - جاده صاف کن تسلط اقتصادی آمریکا در خاور میانه

نولیبرالیسم اقتصادی در سیاست ابلاغ شده ولی فقیه رژیم

خصوصی و تعاونی است و ابلاغیه رهبر رژیم عملاً دولت را از فعالیت موثر در بخش های کلیدی اقتصادی منع و موظف به واگذاری این عرصه به بخش غیر دولتی می نماید. به عبارت دیگر «ولی فقیه» رهنمود به بی عملی عمدی دولت در رابطه با محافظت از منافع ملی و به همراه آن پذیرش تبلیغات و فشارهای صندوق پول جهانی می دهد و این به مفهوم نفی نقش دموکراتیک مردم در تعیین سرنوشت خود می باشد. در این فرایند با خط گرفتن از تبلیغات برنامه ریزی شده از سوی معماران نولیبرالیسم، رشد و پیشرفت اقتصادی سیاسی اجتماعی جامعه مشروط به تسلط بلامنازع بازار بی نظارت (آزاد) اعلان می گردد و هر نوع دیگراندیشی در مقابل خصوصی سازی، متهم به کهنه پرستی، عدم درک واقعیت جهانی شدن و حتی مانعی بر سر راه رشد دموکراسی تلقی می شود. در این زمینه برای نشان دادن فقر علمی این قبیل بحثهای رایج، سخنان نخست وزیر مصر، احمد محمود نظیف، در مجمع پیش گفته قابل توجه است: مصر درک کرده است که بازار آزاد و دموکراسی دست در دست یکدیگر دارند و ما رابطه بین آزادی اجتماعی و باز گشایی اقتصادی را شناخته ایم! بدیهی است که هیچ کشوری در جهان کنونی نمی تواند بدون مشارکت و جذب مناسب سرمایه خارجی برنامه اقتصادی موثر و همه جانبه ای را تدوین نماید. به کار گیری برنامه ریزی شده و هدفمند سرمایه های خارجی تولیدی یکی از شیوه های معمول اقتصادی بوده که در بطن برنامه ریزی ملی مزایای مهمی را به همراه دارد. ولی هدف سیاست های مطرح شده در این قبیل نشست ها قرار دادن تمامی شئون اصلی اقتصاد در دست بخش خصوصی است که در چارچوب جهانی شدن همانطور که تجربه اخیر دیگر کشورها نشان می دهد، یعنی سلطه بلامنازع سرمایه های مالی فراملی که منجر به صدمات اقتصادی اجتماعی می گردد.

در این مورد ادعاهای وزیر خصوصی سازی پاکستان، حافظ شیخ در این نشست قابل توجه است: هیچ کشوری بدون قرار دادن بخش خصوصی بعنوان نیروی غالب نتوانسته است در امر اقتصاد پیشرفت نماید. قابل توجه است که این قبیل ادعاها تنها متکی به کلی گویی می باشند. کشورهایی مانند آمریکا به همراه بخش خصوصی بسیار پرنفوذ، دارای اقتصاد پیشرفته ای است. در مقابل بسیاری کشورهای اروپایی نیز (مانند کشورهای اسکاندیناوی) با داشتن بخش عمومی بسیار قوی، نه تنها دارای اقتصاد پیشرفته اند بلکه بالاترین استاندارد سطح زندگی برای اکثریت جامعه را دارا می باشند. وزیر خصوصی سازی پاکستان نمی گوید کدام کشورها را که دارای وضع نسبی مشابهی با کشورهای منطقه اند در نظر دارد.

این قبیل نشست ها با محتوای سبک و سطحی بحث ها و برنامه ها نمی تواند از سطح تبلیغات پوچ فراتر رود و یا اینکه در راستای سازمان دهی ساختارهای عقب مانده و فاسد کشورهای منطقه عمل کند. بسیاری از شرکت کنندگان در این مجمع جهانی اقتصاد نمایندگان رژیم هایی اند که مسئول عقب ماندگی، فساد و وابستگی اقتصاد منطقه می باشند. جالب تر اینکه آنها اخیراً یکبار به همراه تقدیس بازار آزاد به دموکراسی نیز ایمان آورده اند. باید توجه داشت که سیاست گذاری دولت بوش با اتکاء به ورود و تسلط سرمایه فراملی عمل می نماید. عملکرد دو سال گذشته شرکت هایی مانند هالیبرتون در عراق موید این واقعیت است که اقتصاد آزاد مورد نظر، عموماً از طریق شرکت های آمریکایی بدون در نظر گرفتن الزامات بومی سازمان خواهد یافت. لذا هدف این قبیل نشست ها، بعد از مرحله استقرار نیروهای نظامی آمریکا در منطقه، ایجاد شرایط لازم و هموار ساختن مرحله بعدی نفوذ و تسلط اقتصادی کامل آمریکا در خاور میانه است. در این فرایند رژیم های وابسته دیکتاتوری،

نشست سه روزه مجمع جهانی اقتصاد موسوم به «داووس» چندی پیش در شهر شونه اردن برگزار شد. این مجمع با شرکت ۱۲۰۰ نفر از سراسر جهان در طی ۵۰ جلسه بحث و میزگرد مسائل گوناگون از جمله زنان، اطلاع رسانی در جهان عرب و مخصوصاً عراق را مورد تبادل نظر قرار داد. ایجاد الگوی اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد و سرمایه گذاری خارجی در خاورمیانه موضوع اصلی مورد بحث این مجمع بود. البته در اسناد منتشره نشانه ای از تبادل نظر چند جانبه و خلاق منطبق با واقعیت موجود اقتصاد منطقه را نمی توان یافت.

در این نشست اکثر سخنگویان با قبول پیش فرض اینکه نقش محوری بازار و پیش شرط لزوم سرمایه گذاری خارجی تنها راه به جلو است، خصوصی سازی و محو ضوابط و مقررات ملی را نوش داروی مشکلات تمامی کشورهای منطقه معرفی کردند. پایه اصلی سخنرانی ها طبق روال معمول ارایه یک فرمول عمومی مبتنی بر نولیبرالیسم اقتصادی بدون توجه به مسائل ویژه مبتلابه اقتصاد های بومی این منطقه و سطح رشد متفاوت کشورهای خاورمیانه بود. دقیقاً همان روشی که حتی صندوق جهانی پول نیز به اشتباه بودن آن اعتراف می کند، یعنی که یک نسخه کلی اقتصادی را نمی توان برای هر کشور تجویز کرد. برای مثال مسئول بخش رقابت جویی جهانی این مجمع، آگوستو لویز کارلوس اظهار داشت «تحقیقات اخیر نشان دهنده اهمیت قاطع نقش سرمایه گذاری خارجی در توسعه اقتصادی است» وی ضمن اشاره به مزایای آن در زمینه های ساختاری، انتقال فن آوری و ... افزود: «سرمایه گذاری مستقیم خارجی در زمینه مالی کشورهای در حال رشد را قادر به تقلیل وابستگی به استقراض با نرخ ثابت می کند و می تواند باعث جلوگیری از بحران بدهکاری مالی شود». این متخصص اقتصادی و یکی از سخنگویان بر جسته این نشست بدون کوچکترین اشاره یی به هر گونه تحقیق اقتصادی در خاور میانه و مسایل خاص آن یادآور شد که این قبیل بحث ها را می توان با وجود ثروت نفت منطقه در مورد خاور میانه و آفریقای شمالی نیز عنوان کرد!

واقعیت انکارناپذیر بر خلاف ادعای آگوستو لویز کارلوس این است که تسلط سرمایه های کلان فراملی بر اکثر کشورهای جهان نتایج فاجعه باری را به همراه داشته است. لویز کارلوس و امثال او هیچگاه به تجربه کشورهای آمریکای لاتین، روسیه در مورد روند خصوصی سازی گسترده و ورود بی رویه سرمایه های فراملی که صدمات بسیار شدیدی را به اقتصاد های آنان وارد ساخته است، اشاره نمی کنند. اینگونه بحث ها فاقد پایه علمی هستند و عملاً با اتکا به تبلیغات وسیع و تکرار مکرر اینکه تنها بر پایه انگیزه سود می توان اقتصاد هر کشوری را سامان داد، هر نوع سیاست اقتصادی مبتنی بر برنامه ریزی در جهت منافع ملی و الزامات جامعه را مردود می شمارند. در عمل نیز این الگوی اقتصادی به واسطه تسلط و نفوذ سرمایه های مالی فراملی در چارچوب ساختار کنونی اقتصادی جهانی، از طریق نهادهایی مانند صندوق پول جهانی، سازمان تجارت جهانی و کشورهای گروه ۸ به رهبری آمریکا به دیگر کشورها تحمیل می گردد. واضحاً در این فرایند، قشر قلیلی به برکت خصوصی سازی و مشارکت با سرمایه فراملی در سطح محلی به منافع سرشاری می رسند. این هوداران و مجریان اقتصاد آزاد از طریق حذف یا دستکاری در قوانین ملی، جاده صاف کن اجرای برنامه اقتصادی نولیبرالیسم اقتصادی می باشند.

نمونه اخیر آن در میهن ما ابلاغ سیاست های جدید در مورد اصل ۴۴ قانون اساسی از جانب ولی فقیه به سران سه قوه است. اصل ۴۴ مربوط به قبول هماهنگی مالکیت و زمینه های اقتصادی در سه بخش عمومی،

بیست و هشتمین کنگره حزب کمونیست ایالات متحد آمریکا

* پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به بیست و هشتمین کنگره حزب کمونیست آمریکا

رفقا، ما چالش های بزرگی در پیش رو داریم، اما ما کمونیست هستیم، و کمونیست ها هرگز در برابر چالش های بزرگ ذوب نمی شوند. ما از چالش ها نمی ترسیم. بیایید در این کنگره تصمیم هایی بگیریم که حزب مان و سازمان جوانان کمونیست را در مبارزات عظیم دوران ما در راه امنیت اقتصادی، برابری و صلح با قدرت به پیش برند. بیایید از اینجا با عزمی راسخ برای ساختن رسانه هایی کمونیستی، یک سازمان جوانان کمونیست و یک حزب کمونیست بسیار بزرگتر بیرون برویم. و بیایید وقتی از این کنگره باز می گردیم، مصمم باشیم که در برابر سختی ها و خطر ها هر چقدر هم بزرگ باشند کمر خم نکنیم، بلکه آنها را به فرصت هایی برای مبارزه تبدیل کنیم، و قدر زمان، روز و ساعت را بدانیم... دنیایی دیگر امکان پذیر است. توده متحد هرگز شکست نخواهد خورد.

علاوه بر گزارش آغازین رفیق وب، گزارش های متعدد دیگری از سوی کمیسوین های مختلف از جمله در زمینه های مسائل کارگری و سازمان دهی در سندیکاها، صلح و همبستگی بین المللی، بهداشت و درمان، بازنشستگی، نشریات و تبلیغات، سازمان جوانان کمونیست، مسائل سازمانی حزب، و برنامه و اساسنامه حزب ارائه شد که با اشتیاقی بی نظیر مورد بحث و بررسی، و در صورت لزوم، مورد تصویب اعضا قرار گرفت.

همچنین، در جریان برگزاری کار کنگره کارگاه های آموزشی - مشورتی متعددی در زمینه های گوناگون، از جمله چالش ها و سیاست های حزب، تحکیم و تقویت ساختاری حزب، سازمان جوانان و نشریات و تبلیغات از سوی حزب و با هماهنگی فعالان و کادرهای حزب ترتیب داده شد که مورد استقبال گسترده شرکت کنندگان در کنگره قرار گرفت. از جمله موضوع هایی که در کارگاه ها مورد بحث قرار گرفتند می توان به این نمونه ها اشاره کرد: مبارزه طبقاتی و سندیکاها؛ مبارزه برای صلح در دنیای جنگ زده - عراق و خطرهای جنگی تازه؛ همبستگی با کوبا؛ تأثیر سیاست های بوش بر آمریکا و انتخابات آینده؛ اتحاد با نیروهای ترقی خواه برای حفظ محیط زیست؛ اتحاد دانشجو - کارگر؛ مبارزه برای حفظ تأمین اجتماعی از خطر بوش؛ مبارزه برای برابری حقوق سیاهان، مکزیکی تبار ها و پورتوریکویی ها در برابر سیاست های بوش؛ بهداشت و درمان، و آموزش و پرورش همگانی؛ برابری حقوق زنان؛ حزب و سازمان جوانان؛ همکاری و پر بارتر کردن نشریه هفتگی جهان مردم؛ عضو گیری و ایجاد و گسترش حوزه های حزبی؛ کاربرد اینترنت در تبلیغات حزبی و پیش برد و اشاعه سیاست های حزب؛ مسائل تئوریک و نشریه مارکسیستی ماهانه مسائل سیاسی.

نشست پایانی دومین روز کنگره، به پیام های احزاب برادر به کنگره اختصاص داشت، که طی آن نماینده حزب توده ایران نیز پیام کمیته مرکزی حزب خطاب به ۲۸مین کنگره حزب کمونیست آمریکا را برای حاضران خواند. در فاصله برگزاری جلسه های کنگره، نماینده حزب توده ایران دیدارها و گفتگوهایی با نماینده های احزاب برادر شرکت کننده در کنگره داشت که طی آن ضمن تبادل نظر درباره وضعیت کنونی جهان و چالش های پیش روی احزاب کارگری و کمونیستی، رویدادهای اخیر سیاسی و اجتماعی ایران در سال های اخیر و بویژه انتخابات اخیر ریاست جمهوری و تقلب های گسترده برای شکست دادن نماینده اصلاح طلبان و به قدرت رساندن نماینده مرتجعان را برای آن رفقا توضیح داد و به سؤال های آنان در زمینه های گوناگون داخلی و خارجی، و سیاست های حزب، پاسخ داد.

در پیام کمیته مرکزی حزب ما به بیست و هشتمین کنگره از جمله آمده است:

رفقای عزیز،

در روزهای ۱۰ تا ۱۲ تیر ماه امسال، ۲۸ مین کنگره سراسری حزب کمونیست آمریکا در ۸۵ مین سالگرد بنیانگذاری این حزب، در شهر شیکاگو ایالت ایلینوی، زادگاه اول ماه مه و ۸ ساعت کار در روز، و با شعار دنیایی دیگر ضروری است... سوسیالیسم، برگزار شد. در این کنگره با شکوه، که در شرایط بسیار دشوار داخلی آمریکا و بین المللی برگزار شد، بیش از ۲۵۰ تن از اعضا و هواداران حزب برادر، و نمایندگان از جنبش های مردمی، مبارزان راه صلح و سندیکاها کارگری از سراسر آمریکا حضور داشتند. حضور و شرکت تعداد بسیار زیادی از اعضا و هواداران سازمان جوانان کمونیست آمریکا در این کنگره به ویژه چشمگیر بود. همچنین، به دعوت رسمی حزب کمونیست آمریکا نماینده حزب توده ایران و نمایندگان احزاب برادر از کشورهای ویتنام، سودان، آفریقای جنوبی، پرتغال، مکزیک، ژاپن، عراق، هندوستان، یونان، کلمبیا، شیلی، کانادا، بریتانیا و برزیل نیز در کنگره حاضر بودند.

در روز اول کنگره، در پی گشایش کنگره و خوش آمد گویی به حاضران، رفیق سام وب، صدر حزب کمونیست آمریکا، گزارشی مفصل از فعالیت ها و چالش های رو در روی حزب در زمینه های داخلی و خارجی به کنگره ارائه داد.

رفیق سام وب در آغاز گزارشش به کنگره، که در آستانه سالروز استقلال آمریکا (۴ ژوئیه - ۱۳ تیر ماه) برگزار می شد، به دستاوردها مردم آمریکا در جریان جنبش استقلال طلبی و نطق تاریخی دکتر مارتین لوتر کینگ در سال ۱۹۶۳ در برابر مجسمه واشنگتن اشاره کرد که یادآور این گفتار از بیانیه استقلال (مصوب ۴ ژوئیه ۱۷۷۶) بود: همه انسان ها برابر آفریده شده اند، و آفریننده آنها به آنها حقوق غیر قابل تجزیه معینی را اعطا کرده است که از آن جمله اند زندگی، آزادی، و شادمانی. او سپس از سخنرانی های رفیق لی کین پس از اخراج های گسترده شرکت های اتوموبیل سازی در دهه ۱۹۸۰ یاد کرد که رفیق پس از اشاره به همان گفتار از بیانیه استقلال بلافاصله می افزود که: چطور یک شخص می تواند شادمان باشد وقتی کار ندارد؟ رفیق وب این طور نتیجه گیری کرد که ما نمی توانیم بگذاریم جناح راست نماد ها، زبان و تصویر های گذشته ملت ما به را مال خود کند و آنها را برای پروژه های سیاسی ارتجاعی خودش بکار گیرد... به رغم کمبودها و کاستی ها در جامعه ما، هنوز خیلی چیزها در تاریخ ماست که ما باید ادعای مالکیت آنها را بکنیم؛ در درجه اول این طبقه کارگر است که احساس فخر زیادی به کشوری دارد که خودش ساخته است. رفیق سام وب در ادامه گزارش به موضوع های داخلی و خارجی گوناگونی پرداخت که در اینجا به اختصار به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

* حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که از پیامد های آن در داخل آمریکا می توان به حمله دولت دست راست بوش (به بهانه مبارزه با تروریسم) به دستاوردها و حقوق مردم و تحدید آزادی ها، که حاصل دهه ها مبارزه سخت بودند، و در صحنه جهانی به اشغال افغانستان و عراق، تشدید فشار بر فلسطین، کوبا، ونزوئلا و کره شمالی... و به بازی گرفتن سازمان ملل اشاره کرد. به بیان رفیق وب: جنگ بر ضد ترور توجیهی شد برای کاخ سفید که از ترس و احساس عدم امنیت مردم سوء استفاده کند، هرگونه صدای مخالفی را مرعوب و خفه کند، و حداقل برای مدتی کوتاه هم شده، حمایت مردمی را برای جان دادن به روابط اقتصادی و سیاسی داخلی و جهانی اش جلب کند، درست همان گونه که سیاست های ضد کمونیسم و ضد شوروی در دوران جنگ سرد به پیش برده می شدند.

رفیق سام وب گزارش بازگشایی کنگره را با این سخنان به پایان برد:

ادامه دولت سربازان گمنام ارتجاع ...

کشورهای همسایه ایران، پایه های رژیم ولایت فقیه را به شدت متزلزل کرده بود و ادامه این وضع می توانست خطرات مهلکی را برای ادامه حیات حکومت استبداد فراهم آورد. بر این اساس برنامه مفصل و بغرنجی برای شکست اصلاح طلبان حکومتی و همچنین شکست روند اصلاحات از ماه ها پیش تدارک و به مرحله اجراء گذاشته شد. ابعاد گوناگون این برنامه را می توان در مشخصه های زیر روشن کرد:

* دامن زدن به جو بدبینی شدید ایجاد شده بین دانشجویان و اصلاح طلبان حکومتی جدا کردن و بی اثر کردن بخش های مهمی از نیروهای اجتماعی (از جمله جوانان دانشجویان، که در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ نقش اساسی ایفاء کردند). ارتجاع در این زمینه تکیه و نوک تیز حملات تبلیغاتی اش دامن زدن و برجسته کردن این حقیقت بود که دولت خاتمی نتوانسته است قول های داده شده را تحقق بخشد و در مجموع در حساس ترین مقاطع (همچون ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸) با اتخاذ سیاست های مماشات گرانه و تسلیم طلبانه عملاً در کنار سیاست های سرکوبگرانه ارتجاع قرار گرفته است.

* بهره برداری دقیق و همه جانبه و تبلیغ وسیع بر ضد سیاست های مخرب و خانمان سوز اقتصادی دولت خاتمی که ادامه همان سیاست های دولت رفسنجانی و در واقع سیاست مورد قبول و حمایت همه جناح رژیم بوده و همچنان هست. سکوت اساسی کارزار تبلیغاتی معین در این زمینه و در کنار توجه به مساله آزادی ها مساله بسیار مهم و حیاتی برای جامعه اکثرا محروم و فقیرزده ما یعنی عدالت اجتماعی برجستگی لازم را پیدا نکرد. این امر به ارتجاع اجازه داد که با بهره برداری از فقر و محرومیت شدید میلیون ها ایرانی و بهره جویی از شعارهای عوام فریبانه کارزار موثری را در فریب بخش های محروم جامعه سازمان دهی کند.

* معرفی نامزدهای گوناگون انتخاباتی و ایجاد پرده حایلی که مانع تمرکز تبلیغاتی روی نامزد اصلی مرتجعان حاکم شد.

* سازمان دهی تقلب وسیع و پیچیده از طریق استفاده آشکار از نیروهای نظامی (سپاه، بسیج، انصار حزب الله و نیروهای سازمان اطلاعات موازی) که خصوصاً در شهرها، شهرستان ها و روستاهای کوچک و برخی مناطق فقیر نشین شهرهای بزرگ با موفقیت چشمگیری به مرحله اجراء درآمد.

افزون بر این اتخاذ سیاست های شتاب زده و مخرب از سوی جریان هایی مثل جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و سکوت پرمعنا و سپس قبول نتیجه انتخابات دوره اول از سوی دولت خاتمی و وزارت کشور و اطلاعات یاری دهنده اساسی مرتجعان حاکم برای اجراء برنامه شان بود.

بر این مجموعه همچنین باید اتخاذ سیاست های نادرست و وجود چند دستگی در صفوف اصلاح طلبان حکومتی (از جمله عدم توافق این نیروها بر سر نامزد مشترک و همچنین رد صلاحیت معین و سپس حکم خامنه ای به شورای نگهبان برای تجدید نظر در این زمینه) را افزود تا زمینه تحولات اخیر روشن تر گردد.

بدین ترتیب و بر اساس برنامه از پیش تنظیم شده بی «سرباز گمنام» ارتجاع یک شبه ره صد ساله پیمود و به عنایت «حزب پادگانی» سپاه، بسیج و «حوزه های علمیه» زیر نظر رهبرانی همچون مصباح یزدی، سر از صندوق های رأی در آورد و به کرسی ریاست

جمهوری رسید. بدیهی است که چنین سرباز گمنامی نیز تنها دولتی تشکیل خواهد داد که در وحله نخست خدمتگزار نیروهایی است که او را به این مقام و موفقیت رسانده است. ملاقات فوری احمدی نژاد با حداد عادل، سخنگوی مجلس ارتجاع، ولی فقیه، مصباح یزدی، و فرماندهان سپاه و بسیج به روشنی نشانگر این واقعیت است که احمدی نژاد به چه نیروهایی وام دار و پاسخگوست.

در هفته های اخیر بحث بر سر کابینه احمدی نژاد و سیاست های آتی دولت او با شدت و حدت زیادی در جریان بوده است. آنچه از هم اکنون روشن است این است که دولت آینده رژیم دولت سربازان گمنام ارتجاع و «ذوب شدگان در ولایت»، دولت خدمتگزاران کلان سرمایه داران بازار (همچون عسگر اولادی ها و خاموشی ها) دولت نظامیان به قدرت اقتصادی رسیده (همچون فرماندهان سپاه و بسیج) و دولت نهادهای مافیایی همچون «بنیاد مستضعفان»، «بنیاد ۱۵ خرداد»، «بنیاد شهید» و جز این ها خواهد بود. این چنین دولتی وظیفه اش نخست آرام کردن تدریجی جامعه با سفت و سخت کردن دستگاه های اجرایی و تشدید تدریجی اختناق (در صورتی که با مقاومت جدی روبه رو نشود) و همچنین اتخاذ برخی سیاست های عوام فریبانه اقتصادی برای فریب توده ها (در کوتاه مدت) خواهد بود. مهم ترین برنامه این دولت حرکت و مهیا کردن زمینه به سمت تثبیت طولانی مدت حاکمیت ارتجاع در میهن ماست. این خطر جدی بی است که همه نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور باید با هوشیاری و استقامت در برابر آن مبارزه کنند. نباید اجازه داد همچون تجربه انتخابات ریاست جمهوری مرتجعان حاکم بتوانند با بهره برداری از چند دستگی در صفوف نیروهای مدافع اصلاحات و حقوق مردم، به راحتی بتوانند برنامه های خود را به مرحله اجراء در آورند. وقت بسیار تنگ و وظایف پیش رو دشوار و پیچیده است. باید با سرعت جبهه وسیع نیروهای ضد استبداد و مدافع دموکراسی و حقوق بشر را از حرف به مرحله عمل در آورد و آنوقت با برنامه مشترک سیاسی به مصاف ارتجاع حاکم رفت.

ادامه حزب توده ایران بمب گذاری ...

قربانیان این رخدادهای دهشتناک اعلام می کند. حزب توده ایران به همراه همه نیرو های ترقی خواه و نیک اندیش جهان مخالفت اصولی خود با تروریسم اعلام کرده و معتقد است که توسل به چنین شیوه هایی به هیچ وجه قابل توجیه و دفاع نیست. ما بر این باوریم که حملات تروریستی انتحاری در شبکه حمل و نقل شهری لندن باید به مثابه عملکردی جنایتکارانه محکوم شود. ما در عین حال مخالف هر گونه بهره برداری از این فاجعه دردناک به عنوان بهانه بی برای حمله به آزادی های دموکراتیک و مدنی شهروندان و یا ماجراجویی های نظامی هستیم. ما همچنین عملکرد نیروهای نژادپرست را که سعی دارند از این فاجعه برای دامن زدن به حملات نژادپرستانه، و گسترش نفرت نژادی بین ملیت های گوناگون ساکن انگلستان بهره بگیرند، محکوم می کنیم. حزب توده ایران معتقد است که تمامی کوشش ها باید متوجه ریشه یابی و حل معضلات جاری جدی جهان و خشکاندن ریشه های اجتماعی اقتصادی ترور که باعث رشد بنیادگرایی مذهبی و گرایش های افراطی شده است، گردد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۹ تیرماه ۱۳۸۴

ادامه مجمع جهانی اقتصاد در اردن ...

کودتایی، شیخی و سلطنتی ماموران ایجاد و اعطاء دموکراسی و آزادی می شوند! به عبارت دیگر بعد از چندین دهه حمایت از سرکوب جنبش های مردمی و دموکراتیک بوسیله دیکتاتورهای منطقه، سیاست رسمی آمریکا به سوی حمایت از درک محدود و بی محتوایی از دموکراسی تغییر جهت داده است که هدف آن تضمین هژمونی بلامنزاع ایالات متحده در شرایط ویژه کنونی منطقه است. قابل تامل است که دولت بوش اشاعه آزادی از طریق دیکتاتورهای حاکم را مطمئن ترین روش دموکراتیزه کردن منطقه می داند، البته مشروط به محول کردن ششون کلیدی اقتصاد و منافع ملی به بازار آزاد و سرمایه های خارجی. سیاستی که بوسیله آمریکا و عاملین آن در خاورمیانه با نماد شکوفایی آزادی و دموکراسی به عنوان عامل اقتصاد آزاد "دنبال می شود با ابعاد مختلف بر روند تحولات کشورمان نیز تاثیر دارد. جالب توجه است که بیست و دومین درخواست رژیم "ولایت فقیه" برای عضویت در سازمان تجارت جهانی در حالی با نظر موافق آمریکا مواجه می شود که همزمان دولت بوش کشورمان را مورد تهدید نظامی قرا می دهد.

تلاش نیروهای راست و مشوقین بین المللی آنان برای پایه ریزی اقتصاد مبتنی بر «بازار آزاد» در کشور ما پدیده نوینی نیست. سیاست تعدیل اقتصادی دوران رفسنجانی و ادامه آن تا کنون دقیقاً در مجرای ایجاد شرایطی است که بخش خصوصی را به نیروی غالب کشور تبدیل نماید. امکان عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی در حال حاضر بدون در نظر گرفتن تبعات بسیار منفی، با تحریف واقعیت و بعنوان برگ برنده ای عنوان می گردد. برای مثال محمد رضا بهزادیان، رئیس اتاق بازرگانی، می گوید: پذیرش در سازمان تجارت جهانی سر آغازی برای پذیرش مسئولیت از سوی ایران در جامعه جهانی است که مستلزم تغییر استراتژی اقتصادی از درون گرایی به برون گرایی و پیوستن به جامعه جهانی است. ولی واقعیت این است که اقتصاد یک کشور متکی به صادرات نفت و واردات اکثر مایحتاج جامعه را نمی توان واقعاً "درون گرا" دانست. کشور ما با ابعاد مختلف به اقتصاد جهانی متصل است، ولی بعنوان یک عضو کاملاً ضعیف و وارد کننده. باز کردن هر چه بیشتر اقتصاد با در نظر گرفتن فساد ساختاری و تسلط سرمایه داری تجاری نه تنها تولید ملی را رونق نخواهد داد بلکه به واردات هر چه بیشتر و انهدام فراتر استعداد های تولیدی کشور منتهی خواهد گشت.

بنا به قواعد سازمان تجارت جهانی، هر کشور عضو به ازای دسترسی آسانتر به بازار دیگر اعضا باید با باز کردن قسمت اعظم بازارهای خود و حذف برنامه حمایت از تولیدات داخلی و متوقف کردن کنترل واردات از خارج، عملاً از کوشش برای حفظ برنامه ریزی شده تولیدات و خدمات بومی در عرصه رقابت جهانی دست بشوید (و این مفهوم تجارت آزاد است). این حقیقتی است که کشور ما دارای آنچنان صنایع و تولیدات کشاورزی در حجم و کیفیت بالایی نمی باشد که عضویت آن در سازمان تجارت جهانی باعث رشد رونق صادرات و شکوفایی اقتصاد کشور گردد. تولیدات و بخش خدمات کشور تاب و توان این چنین رقابتی را ندارند.

اقتصاد کشورما و دیگر کشورهای منطقه به همراه رشد دموکراسی متکی به نیروهای اجتماعی، شدیداً محتاج به پشتیبانی ملی و برنامه ریزی منسجم هستند. در این فرایند بخش خصوصی می تواند و باید نقش مهمی داشته باشد، ولی نه نقش غالب و نه در راستای مماشات با سیاست های تجاوز گرانه امپریالیسم.

ادامه بیست و هشتمین کنگره ...

از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران مایلیم از این فرصت استفاده کنم و صمیمانه ترین درودهای رفیقانه مان را به حزب کمونیست ایالات متحد آمریکا به مناسبت بیست و هشتمین کنگره آن به شما ابراز دارم. ما آرزو می کنیم که بیست و هشتمین کنگره حزب شما بتواند با موفقیت کامل برنامه عمل مبارزه طبقه کارگر آمریکا برای صلح و پیشرفت را تنظیم و تصویب کند.

ما همچنین مایلیم بار دیگر بر روابط نزدیک و دیرینه دو حزب خود تأکید کنیم. حزب توده ایران از مواضع اصولی و انترناسیونالیستی حزب کمونیست آمریکا در دفاع از صلح جهانی، جنبش های آزادی بخش ملی و حق ملتها در گزینش راه رشدشان کاملاً حمایت می کند. ما می دانیم که این مبارزات در چه شرایط پیچیده بین المللی انجام می گیرد.

مایلیم از این موقعیت استفاده کنم و مراتب سپاسگزاری خود را از همبستگی مبارزه جویانه و قاطع حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا از مبارزه دشوار مردم ایران برای دموکراسی و پیشرفت صلح آمیز و علیه رژیم خود کامه مذهبی حاکم بر کشورمان ابراز کنم.

... رفقای گرامی نماینده،

کنگره شما در یک دوران حساس و بغرنج بین المللی برگزار می شود. دولت بوش بعد از حمله های تروریستی ۱۱ سپتامبر سعی کرده است با سوء استفاده از این تراژدی، سیاست های ماجراجویانه خارجی خود را توجیه کند. دولت بوش مصراعه سعی کرده است تا سرکردگی کامل خود را در سطح جهان تحمیل و سیاست جدید و خطرناکی را پایه گذاری کند که بر اثر آن یک ابر قدرت نظامی می تواند با نادیده گرفتن کلیه قوانین بین المللی، سازمان ملل و حتی شورای امنیت سازمان ملل، صرفاً منافع سیاسی، نظامی و اقتصادی تنگ نظران خود را دنبال کند. اشغال نظامی عراق به سرکردگی آمریکا که در هاله ای از دروغ و فریب انجام گرفت و فاجعه ای در عراق به بار آورد که باعث نابودی کشور و از دست رفتن جان حداقل صد هزار نفر انسان بی گناه شد، شاهد روشنی براین مدعاست که نظم نوین جهانی بوش چیزی نیست جز نظریه رسوای سیاست قایق توپ دار دوران استعمار کهنه. هدف اصلی دولت کنونی ایالات متحد، کنترل منطقه استراتژیک کلیدی خلیج فارس و منابع سرشار انرژی آن است. « پیام سپس با اشاره به اوضاع بغرنج ایران و انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری به توضیح تحلیل حزب از اوضاع کشور می پردازد. در پیام از جمله آمده است: «ما نتیجه انتخابات را گامی بزرگ به عقب در راه رشد کارزار مردمی برای دموکراسی و عدالت اجتماعی ارزیابی می کنیم. حزب ما در تحلیل خود از کارزار انتخابات اخیر به عواملی کلیدی که منجر به چنین نتیجه نا مطلوبی شدند اشاره دارد که عبارتند از: تقلب وسیع انتخاباتی به نفع کاندیدای مورد حمایت رژیم، سیستم معیوب عمیقاً غیر دموکراتیک انتخاباتی، نارضایتی توده های فقیرزده مردم از سیاستهای اقتصادی دولت اصلاح طلب محمد خاتمی که از سال ۱۹۹۷ دولت را در دست داشته، و مهم تر از همه پراکندگی در میان نیرو های اپوزیسیون طرفدار اصلاحات.

حزب توده ایران از نیروهای دموکراتیک کشور خواسته است تا در یک جبهه ضد دیکتاتوری متحد شوند تا بتوانند علیه طرح های بدخواهانه رژیم مقاومت کنند. حزب ما به کرات تصریح کرده است که نیروهایی چون جوانان، دانشجویان و زنان - و بخصوص طبقه کارگر - نیروهای اساسی برای دگرگونی های اجتماعی هستند. حزب توده ایران بارها هشدار داده است که تا زمانی که جنبش ترقی خواهانه نتواند مشکل عدم سازماندهی و عمل واحد خود را حل کند، نیروهای ارتجاعی هرگونه تلاش برای از میان برداشتن شان را سرکوب خواهند کرد.»

پیام در انتها ضمن آرزوی موفقیت کردن برای ۲۸-مین کنگره حزب کمونیست آمریکا بر گسترش و تعمیق روابط رفیقانه میان دو حزب تأکید کرد.

نقض حقوق بشر در سودان

گفتگویی کوتاه با رفیق مراد محمد، عضو کمیسیون روابط بین المللی حزب کمونیست سودان

س: رفیق مراد، لطفاً درباره وضعیت کنونی در سودان، در پرتو رخداد های دارفور توضیح دهید.

رفیق مراد: همان طور که در خبر ها شنیده اید، رژیم سودان یک کارزار نظامی وحشیانه بر ضد مردم آفریقایی تبار دارفور به راه انداخته است، و آنها را به عنوان ستون پنجم جنبش مقاومت و دشمن کشور مورد اذیت و آزار قرار می دهد. رژیم حاکم کماکان به تسلیح شبه نظامیان عرب خنجاوید تا بن دندان ادامه می دهد تا قبیله های آفریقایی تبار در دارفور را تاراج و چپاول کنند. املاک و احشام این قبایل به غارت برده می شوند، روستاهایشان به آتش کشانده می شوند، به زنانشان تجاوز می شود و مردانشان قتل عام می شوند. دارفور با یک ناآرامی سیاسی شدید و طاقت فرسا رو به روست و اکنون یک منطقه جنگی به حساب می آید. دارفور شاهد نسل کشی نژادی توسط مأموران امنیتی رژیم و شبه نظامیان عرب است.

س: رژیم سودان به چه عنوانی این کارزار جنگی را توجیه می کند؟

رفیق مراد: رژیم اسلامی این جنگ داخلی را با توسل به بهانه های مذهبی و نژادی و به نام جهاد دامن زده است. جوانان و دانشجویان به اجبار به صورت سرباز وظیفه به اردوگاه های نظامی برده می شوند و بدون این که آموزش کافی ببینند، به عنوان سیر انسانی به منطقه های جنگی فرستاده می شوند. رئیس جمهور رژیم مردان سودانی را فراخوانده است تا به ازدواج با یک زن اکتفا نکنند و با ازدواج با زنان متعدد، تعداد جهادگران را افزایش دهند! به تازگی، به اصطلاح علمای اعلام فتوا کرده اند، و ریختن خون آنانی را که بنیاد های اسلامی رژیم، از جمله جهاد را مردود می دانند، جایز دانسته اند. چند هفته پیش، رئیس جمهور رژیم آشکارا اعلام کرد که رژیم از مواضع بنیادی جهاد و شریعت عقب نشینی نخواهد کرد. دسته بندی های خطرناک و خفت آور شکل افراطی و خطرناکی از خشونت های مذهبی را پدید آورده است که می تواند پیامدهای بسیار جدی و ترساننده ای داشته باشد.

س: وضعیت اجتماعی کشور چگونه است؟

رفیق مراد: سراسر کشور در وضعیت اضطراری قرار دارد و در آن رئیس جمهور صرفاً با دستورهای موقت اداری بر کشور حکومت می کند؛ ارگان های امنیتی به هیچ وجه در برابر قوه قضاییه مسئول نیستند. فقط آن قوانینی که ناقض حقوق سیاسی و مدنی مردم اند برقرارند، و سواى این، هیچ قانونی در کار نیست و قوه قضائیه زیر کنترل دولت است. بازداشت شدگان معمولاً بدون ذکر اتهام در زندان ها نگاه داشته می شوند. لازم است اشاره کنم که جبهه اسلامی [حزب کنگره ملی حاکم] قوه قضائیه را زیر کنترل خودش دارد. بر اساس متمم قانون امنیت ملی، بازداشت شدگان ممکن است که تا شش ماه بدون محاکمه در بازداشت بسر ببرند. و به تازگی دولت وضعیت اضطراری را برای یک سال دیگر تمدید کرد.

س: وضعیت نیروهای سیاسی مخالف، از جمله حزب کمونیست چگونه است؟

رفیق مراد: سیستم حکومتی تک حزبی است. رژیم به رغم ادعاهای کذایی اش درباره وجود فضای باز، کماکان یک رژیم تک حزبی یکدست بنیادگرای اسلامی بیشتر نیست که به هیچ وجه گونه گونی قومی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی را در کشور به رسمیت نمی شناسد، خود را تنها نماینده برحق و راستین مذهبی می داند و برای

مقابله با مخالفانش صرفاً به حربه زور و سرکوب متوسل می شود. خود را فرستاده خدا و بقیه را مرتد می داند. در چنین وضعی، طبیعی است که همه احزاب مخالف ممنوع، در تبعید یا تحت پیگرد هستند. رژیم خشونت رسمی سازمان یافته ای را در کشور حاکم کرده است که در آن نیروهای امنیتی دستشان برای سرکوب مخالفان کاملاً باز است. اخیراً، نیروهای امنیتی دبیر کل حزب کمونیست سودان را دستگیر و بازداشت کردند، که پس از مدت کوتاهی در پی فشارهای بین المللی مجبور به آزاد کردن او شدند. اعضای حزب کمونیست و دیگر مخالفان رژیم پیوسته مورد اذیت و آزار عوامل رژیم قرار دارند. همین چندی پیش، در ژانویه امسال، مخالفانی که در بندر سودان [در شمال شرقی کشور در کنار دریای سرخ] تظاهراتی صلح آمیز به راه انداخته بودند، توسط نیروهای امنیتی رژیم به خاک و خون کشیده شدند. این جنایت ۲۰ کشته به جا گذاشت و مورد اعتراض سازمان عفو بین المللی قرار گرفت.

س: سازمان های بین المللی مدافع حقوق بشر چه موضعی درباره اوضاع سودان داشته اند؟

رفیق مراد: رژیم سودان تحت فشار بین المللی به رعایت حداقل استانداردهای حقوق بشر تظاهر می کند. اما در حال حاضر هنوز همه قوانین ناقض حقوق سیاسی و مدنی برقرارند و کشور از سال ۱۹۸۹ در وضعیت اضطراری بسر می برد. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو به تازگی کارکرد ترسناک و نگران کننده رژیم سودان در زمینه عدم رعایت حقوق بشر را به شدت محکوم کرد. به دلیل همه این تخطی ها که توسط جامعه بین المللی محکوم شدند، شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ای صادر و تصویب کرد و در آن خواستار شد تا همه کسانی، از جمله رهبران رژیم، که مظنون به جنایت علیه بشریت در دارفور هستند در یک دادگاه جنایی بین المللی محاکمه شوند. به علت نقض قوانین بین المللی از سوی دولت سودان، امروزه کشور سودان عملاً تحت قیمومیت و حمایت شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار دارد که تحت کنترل ایالات متحد آمریکا و متحدان آن است.

بر خلاف ادعاهای دولت خارتوم، نقض حقوق بشر در سودان رخدادی است روزانه. می خواهم اینجا تکرار و تصریح کنم که وضعیت کنونی حقوق بشر در سودان در نتیجه بسیج نظامی و دیگر اقدامات رژیم، به حد بسیار خطرناکی رسیده است، و بویژه در ارتباط با کمونیست ها و دیگر مخالفان سیاسی رژیم. به عنوان نخستین قدم در راه آغاز هر گونه گفتگوی ثمر بخشی که امید داریم به تغییراتی دموکراتیک منجر شود، همه قوانین دیکتاتوری باید منسوخ شوند.

کمک های مالی رسیده

۳۰۰ دلار

آرمان از جنوب

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 717
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

19 July 2005

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse